

آموزش انگلیسی با انیمیشن فورکی - قسمت هشتم (حیوون خونگی چیه؟)

فورکی، این بار، برای اولین بار، با افسر ریب تیکلز آشنا می‌شه و اون رو با یه حیوون خونگی اشتباه می‌گیره. ولی تیکلز حیوون خونگی نیست. خودش توضیح می‌ده که یه اسباب‌بازی و حیوون‌های واقعی حیوون خونگی هستن، نه حیوون‌های اسباب‌بازی. به نظرتون چرا فورکی فکر کرد تیکلز یه حیوون خونگیه؟ دلیلش اینه که یه سگ کوچولوئه، و آدم‌ها معمولاً سگ‌ها و گربه‌ها رو به‌عنوان حیوون خونگی پیش خودشون نگه می‌دارن. ولی صحبت‌هاشون همین جا تموم نمی‌شه. حالا که فورکی فهمیده که افسر تیکلز درباره حیوون‌های خونگی یه چیزهایی می‌دونه، بیشتر علاقه‌مند شده!

وقتی که افسر تیکلز قبول می‌کنه که اطلاعات بیشتری درباره حیوون‌های خونگی به فورکی بده، به گربه‌ای اشاره می‌کنه به اسم دراگون، توی مغازه عتیقه‌فروشی. به نظر می‌آد که تیکلز یه سری مسائل حل‌نشده با اون گربه داره. ظاهراً دراگون افسر تیکلز رو قورت داده بود، که البته بهترین راه برای آشنایی با یه آدم جدید نیست، و تیکلز هم درباره فرآیند خورده‌شدنش جوری حرف می‌زنه که انگار داره یه فیلم ترسناک تعریف می‌کنه.

وقتی که تیکلز درباره این خاطره ناخوشایند صحبت می‌کنه، از ساختار مجهول استفاده می‌کنه. اگه دارید می‌پرسید ساختار مجهول چیه، باید برگردید به عقب و مکالمه‌شون رو دوباره ببینید. اصلاً بیاید با هم نگاهی بندازیم به این قسمت از مکالمه‌شون.

فورکی: چه حسی داره که یکی قورنت بده؟

افسر تیکلز: وحشتناکه! اولش، همین‌طور که زبون لزوج ولی سمباده‌طورش دورم پیچیده شده بود، زیر دندون‌های تیزش له می‌شدم.

فورکی: نه. من دیگه ادامه نمی‌دم. تا همین جا بسه. دیگه نمی‌تونم بشنوم... ولی نه، ادامه بده!

افسر تیکلز: بعد، آروم آروم توی دستگاه گوارشش هضم شدم.

ساختار مجهول رو می‌تونید توی جمله‌های بالا ببینید. ما زمانی از ساختار مجهول استفاده می‌کنیم که بخوایم مفعول یه جمله رو فاعل جمله جدید در نظر بگیریم. ساختارهای مجهول رو می‌شه به راحتی تشخیص داد؛ کافیه دنبال اشکال مختلف to be برگردید که به همراه شکل سوم فعل (past

(participle) توی جمله می‌آن. می‌تونید برای کاربرد عامیانه ساختار مجهول، از شکل‌های مختلف فعل get به جای to be استفاده کنید.

شکلی از to be/get + شکل سوم فعل (past participle) = جمله مجهول

همین‌طور که افسر تیکلز به صحبت‌هایش درباره اینکه چطوری از این تجربه چون سالم به‌در برده حرف می‌زنه، فورکی، هم می‌ترسه و هم یه کم هیجان‌زده می‌شه. این جوری می‌شه که یه پیشنهادی می‌ده. حالا چه پیشنهادی؟ فورکی می‌خواد که خودش هم این اتفاق رو تجربه کنه و برای همین از افسر تیکلز می‌خواد که توی این سفر چندش‌آور همراهی‌اش کنه!

خوبی‌اش اینه که آخرش جفتشون چون سالم به‌در می‌برن، ولی آیا ارزشش رو داشت؟ شما چی فکر می‌کنید؟

حالا می‌خوایم مروری روی این قسمت داشته باشیم و ببینیم این بار فورکی از چه کلمه‌ها و عبارتهایی استفاده کرد و چی بهمون یاد داد.

۱. شرط می‌بندم (I bet)

برای اینکه بخوایم توی انگلیسی از این عبارت استفاده کنیم، باید از فعل bet کمک بگیریم. از این اصطلاح در ادامه یه جمله دیگه استفاده می‌کنیم تا ببینیم که تأییدش می‌کنیم یا انتظار داریم که حقیقت داشته باشه. توی قسمت هشتم، وقتی که فورکی برای اولین بار افسر تیکلز رو می‌بینه، ازش می‌پرسه:

“Are you a pet? I bet you are”

۲. مدال‌گرفتن (to be decorated)

افسر تیکلز خودش رو این جوری معرفی می‌کنه:

“I am twice decorated officer of the law Rib Tickle”

که یعنی تیکلز دوبار مدال دریافت کرده. کلمه یا فعل decorate توی این قسمت به معنی اهدای نشان نظامی یا دادن مدال هست.

۳. اداره کردن (run)

وقتی که این کلمه به گوشمون می‌خوره، اولین چیزی که به ذهنمون می‌رسه دویدن؛ اما این کلمه به معنی اداره کردن یه کسب‌وکار هم به کار می‌ره.

۴. بازنشستگی (retirement)

همون‌طور که خود تیکلز تعریف می‌کنه، یه هفته مونده بود تا بازنشستگی‌اش که گربه مغازه عتیقه‌فروشی اومد و قورتش داد. بازنشستگی به دوره‌ای اشاره داره که به خاطر بالارفتن سن یا پایان دوره خدمت دیگه کار نمی‌کنیم.

۵. صدای قلپ‌قلپ توی شکم (gurgling)

افسر تیکلز برای توصیف این صدا، از کلمه gurgle استفاده می‌کنه، که وقتی توی شکم گربه بوده، این صدا رو می‌شنیده.

۶. تکه‌های غذا (chunks)

توی این قسمت، افسر تیکلز از کلمه chunk استفاده می‌کنه. توی انگلیسی، این کلمه معمولاً به همراه of می‌آد؛ chunks of ice.

۷. حیوون، جونور (beast)

کلمه beast به معنای جونور چهارپاست، که می‌تونه به معنی حیوون درنده هم باشه.

۸. به تعبیری (in a manner of speaking)

به معنی «به اصطلاح» یا «به تعبیری».

یادتون باشه که بهترین راه برای یادگرفتن این کلمات و اصطلاحات اینه که دوباره برگردید و ببینید
فورکی و افسر تیکلز چطوری ازشون توی جمله‌ها استفاده کردن.

“What is a Pet?”

This time, Forky meets Officer Rib Tickles for the first time and mistakes her for a pet. But she is not a pet! She explains that she is a toy and real animals are pets. But why did Forky think that she was a pet? Because she is a little dog, and people normally adopt cats and dogs as pets. But that isn't the end of their conversation. Now that Forky knows Officer Tickles is a toy who knows about pets, he is even more interested!

When Officer Tickles agrees to give more details about pets, she refers to a cat from the antique store named Dragon. It seems like Officer Tickles has some unresolved issues with the cat! Apparently, Dragon had swallowed her, which had not been the best way to meet someone new. Then, she explains the process of getting swallowed by Dragon as if she is narrating a horror movie.

When Officer Tickles talks about this unpleasant memory, she uses the “passive voice.” If you are asking what passive voice is, you need to look back at their conversation. So, let's take a look together.

Forky: What is it like to get swallowed?

Officer Tickles: Horrible! First, I got ground against sharp teeth while being cradled in a slimy yet sandpaper-like tongue!

Forky: No. I'm putting the brakes on. Stop right there. I can't hear this... But keep going!

Officer Tickles: Then, I was slowly digested through the gastrointestinal tract.

You can see the passive structure in the above sentences. We use passive voice when we want to make the object of an action into the subject of a sentence. The passive structures are easy to spot; all you need to do is look for a form of "to be" (is, are, am, was, were, etc.) followed by the past participle form of a verb. You can also replace different forms of "to be" with "get/got" for informal use.

forms of "to be/get" + past participle = passive voice

As Officer Tickle keeps talking about how she survived this experience with the pet, Forky gets frightened and a bit excited at the same time. So, what does he suggest? Apparently, he wants to experience it for himself, and he asks Officer Tickle to accompany him on this disgusting journey!

The good thing is that they both survive, but was it really worth it? What do you think?

What we are going to do is to review the words and expressions that he used and see what he taught us.

1. I bet

We use I bet or I'll bet in response to a statement to show that we agree with it or that we expect it to be true. Forky uses this phrase in the eighth episode when he first meets Officer Tickle and asks: "Are you a pet? I bet you are."

2. To be decorated

This is how Officer Tickle introduces herself: "I am twice decorated officer of the law Rib Tickle," which means she has received two medals. Here, to decorate means to give someone medals or military decorations.

3. Run

When we hear this word, the first thing that comes to mind is walking fast. But here, run means to manage a business or workplace.

4. Retirement

As Tickle talks about it, she was only one week away from retirement when the cat from the antique store came and swallowed her. Retirement refers to a time when we stop working, usually because of our age.

5. Gurgling

It is a happy low sound that someone makes in their throat, and Officer Tickle uses this word to describe the sound she heard when she was inside the cat's body.

6. Chunks (of food)

In this episode, Officer Tickles uses this word. In English, this word is followed by of: chunks of ice.

7. Beast

Beast is defined as a four-footed animal, which can also be dangerous.

8. In a manner of speaking

In some sense; so to speak.

Note that the best way to learn these words and expressions is to go back and see how Forky and Officer Tickles used them in their sentences.